

## همگرایی در جامعه مدنی

امروزه در میان بخش های زیادی از متقدمین وضع موجود، تغییرات اساسی در نحوه تلقی شان از واقعیت های جامعه و توجه انحصاری به بخشی از مردم در ذیل عنوان "طبقه متوسط مدرن یا شهری" در تحولات پیش رو رخ داده است. همانگونه که تصور رسالت رهایی بخشی و منجی گری بخشی از جامعه تحت عنوان "طبقه پروتاریا" برای کل جامعه خیال خامی بود و دیگر این روزها کمتر کسی در آن رویا به سر می برد، یکسونگری از این طرف هم ناکارآمد از تحلیل واقعیت هاست. این تغییر دیدگاه موجب همگرایی بخش های متعدد جامعه مدنی همچون روزنامه نگاران، فعالان حقوق بشر، دانشجویان و... با کارگران مشمول قانون کار برای احقاق حقوق قانونی شان شده است. این همگرایی مانع از به حاشیه رانده شدن بیش از پیش جامعه کارگری از عرصه تحولات بنیادین در جامعه می شود که خود نوید روشنی برای فردای جامعه است. فرآیندی که با همگرایی همه بخش های جامعه مدنی ساخته خواهد شد و هیچ بخشی از جامعه به تنهایی نمی تواند این مسئولیت سنگین را به دوش بکشد. همگرایی در جامعه مدنی از پیش شرط های اساسی دست یابی به اصلاحات ساختاری است.

حاکمیت از این همگرایی میان بخش های متعدد جامعه مدنی واهمه دارد و همواره سعی دارد که میان خواست های جنبش کارگری با سایر جنبش های اجتماعی موجود همگرایی صورت نگیرد. گسترش فقر در جامعه و در کنار آن پخش پول نقد به بهانه آزاد سازی بارانه ها میان مردم، می تواند در آینده منجر به گسترش تقابل میان اغنیا و فقرا در کشور گردد. گسترش این تقابل به تنهایی می تواند به یک تهدید امنیتی جدی برای کل جامعه تبدیل شود. حضور هوشمندانه و همدلانه همه بخش های جامعه مدنی در همراهی با کارگران در انعکاس صدای اعتراض شان می تواند این بختک شومی را که زرسالاران و یکه سالاران حاکم بر سر میهن گسترانده اند، دور کند.

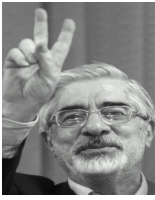
یکی از وجوه "شهروند" شدن در معنی اصطلاح جامعه شناسی این واژه، درک مردم از خود به سان موجوداتی است که "کار" می کنند و به تبع آن دخالت دادن خواسته ها و حقوق شان در حوزه کار در کنش های سیاسی شان است. همگرایی بخش های متعدد جامعه مدنی با کارگران در نفس خود موجب افزایش توجه همه مردم به حقوق شان در حوزه کار می شود. از طریق این همگرایی این باور نیز در جامعه گسترش می یابد که "کار" هم باید نقش اساسی در سیاست ورزی ما ایفا کند. "اصول و حقوق بنیادین کار" مرکب از هشت مقاله نامه است که به صورت اعلامیه جهانی از سوی سازمان بین المللی کار در سال ۱۹۹۸ صادر شده است و هم شان با حقوق ذاتی آدمی در عرصه آزادی بیان، آزادی عقیده و... است و شامل حال همه آنها می شود که "کار" می کنند. اعم از کارگران (مزدبگیران به معنی عام لفظ) همچون معلمان، پرستاران، شاغلین در کارخانه ها، کارمندان دولتی... و خویش کاران همچون صاحبان حرفه، کشاورزان... و همچنین کارفرمایان.

علی رغم اینکه ماده ۲ قانون کار همه مزدبگیران را کارگر قلمداد می کند، ولی در ماده ۱۸۸ "شاغلین مشمول قوانین استخدام کشوری و سایر قوانین و مقررات خاص استخدامی" را از مشمول قانون کار خارج می کند. به همین دلیل سایر مزدبگیران همچون معلمان، پرستاران، استادان دانشگاه، کارمندان ادارات دولتی و... مشمول قانون کار نیستند. این مساله باعث شده است که در مورد مصداق عینی و حقوقی واژه کارگر، به خصوص زمانی که از "اصول و حقوق بنیادین کار" سخن گفته می شود، برداشت های نادرستی صورت بگیرد. به گونه ای که هنوز خیلی ها این اصول را به اشتباه تنها مربوط به کارگران کارخانه ها و شاغلینی می دانند که تنها مشمول قانون کار هستند در حالیکه کلمه کارگر همه مزدبگیران را شامل می شود.

بخش های متعدد جامعه مدنی نه تنها باید از خواسته های قانونی کارگران مشمول قانون کار و اعتراضات شان حمایت کنند، بلکه باید "اصول و حقوق بنیادین کار" را به عنوان بخشی از حقوق ذاتی آدمی در زندگی و بخشی جدایی ناپذیر از "حقوق بشر" در جامعه گسترش دهند و التفات و توجه مردم را به احقاق این حقوق و اعتراض به نقض آنها را در جامعه افزایش دهند. کنش سیاسی زمانی به معنی اصلی و استین اش باز می گردد که پایه هایش در زمین عینی و واقعی کار روزمره مردم بنا شود. اعتراض به نقض "اصول و حقوق بنیادین کار" باید به یکی از چالش های اصلی و نزاع میان جنبش سبز به عنوان محمل تبلور جنبش های مدنی ایران با قانون گریزان حاکم تبدیل شود. گسترش آگاهی مردم نسبت به این اصول و حقوق وظیفه ای است عاجل بر دوش کنش گران سبز و همه آنها می که دل در گرو ایرانی آباد و آزاد دارند.

## ماده ۳، مقاله نامه ۸۷ سازمان بین المللی کار:

سازمانهای کارگری و کارفرمایی حق دارند آزادانه اساننامه و آیین نامه های خود را تدوین کنند؛ نمایندگان خویش را برگزینند؛ چگونگی اداره امور و فعالیت خود را تنظیم کرده و برنامه عملی خویش را اعلام کنند. مقامات دولتی باید از هر گونه مداخله ای که منجر به محدودیت این حق یا اشکال در اجرای قانونی آن شود، خودداری کنند.



# در دفاع از زندگی مان اعتراض می کنیم

مراکز استانها در سراسر کشور نیز نیست اما با عوامفریبانه ترین اشکالی، قانونی را که خود وضع کرده اند و می باید بر اساس آن حداقل مزد کارگران را تعیین کنند زیر پا میگذارند و آنجا نیز که ما کارگران دست به اعتراض میزنیم و همچون کارگران سرتاسر جهان در صدد بر پایی تجمعات خیابانی در اعتراض به وضعیت مصیبت بارمان بر می آیم، قانون و هزار و یک مصلحت دیگر را پیش میکشند تا ما کارگران به هر درجه از فقر و گرسنگی که منافع شان ایجاب میکند تن در دهیم.

اما برای ما کارگران هیچ مصلحتی بالاتر از تامین معیشت مان که عین شرافت مان است وجود ندارد. ما در سال گذشته با جمع آوری طوماری اعتراضی در سطحی سراسری نشان دادیم که میتوانیم دست در دست هم نسبت به وضعیت مشقت بارمان معترض شویم. نشان دادیم که دیگر تحمل وضعیت موجود را نداریم. نشان دادیم کاسه صبرمان لبریز شده است و دیگر حاضر نیستیم بیش از آنچه که تاکنون تن به فقر و فلاکت سپرده ایم نظاره گر تباهی زندگی خود و خانواده هایمان شویم.

بدون ذره ای تردید شرایط حاضر یکی از مصیبت بارترین شرایطی است که ما کارگران ایران بطور بی سابقه ای در طی سی سال گذشته با آن مواجه بوده ایم. شیرازه های هیچ جامعه ای در هیچ جای دنیا بر روی پایه ای که امروزه ما کارگران و مردم ایران به لحاظ معیشتی بر روی آن قرار گرفته ایم قابل دوام نیست، اینرا باید دولت و دست اندرکاران حکومتی بدانند و نیز بدانند که دیگر ذره ای تحمل برای ما کارگران جهت تداوم وضعیت مشقت بار کنونی باقی نمانده است.

کارگران و همکاران در سراسر کشور! اینک اول ماه مه روز جهانی کارگر در راه است. این روز یک روز بسیار مهم و سرنوشت ساز برای ما کارگران است. این روز، روز به خیابان آمدن و اعتراض کارگران در سرتاسر جهان به بی عدالتی و نابرابری است. ما نیز در ایران، باید و حق داریم همچون کارگران سرتاسر جهان در این روز به خیابانها بیاییم و نسبت به وضعیت مشقت بارمان معترض شویم. نمیشود که هر روزه هم هزینه های زندگی چندین برابر شود و هم با تعیین حداقل مزدی معادل سه چهار برابر زیر خط فقر، گرسنگی بیش از پیش را بر ما تحمیل کند و هم سکوت و خاموشی را. ما این سکوت را در سال گذشته با طوماری سی هزار نفری و بر پایی تجمعاتی اعتراضی در هم شکستیم و به یقین اینک نیز قادریم در دفاع از زندگی و شرافت مان دست به اعتراضات گسترده تری بزنیم. اول ماه مه تمام برای ما کارگران ایران چنین روزی خواهد بود، روز اعتراض به تورم و گرانی و روز اعتراض به حداقل مزد مصوب با خواست تجدید نظر فوری در آن.

زنده باد اول ماه مه  
زنده باد همبستگی و اتحاد سراسری کارگران ایران

## فشار از پایین، چانه زنی در بالا

معاون دبیر کل خانه کارگر تصریح کرد: مذاکره اگر پوچ باشد پوچی آن در زندگی کارگران و عدم مسئولیت پذیری کارفرمایان نمایان می شود. روز کارگر روز اعتراض است. نباید در محیطهای سر پوشیده و با حضور تعداد اندکی بر گزار شود. مگر نیروی کار فعلی همان انقلابیون ۵۷ نیستند که فریاد «استقلال آزادی جمهوری اسلامی» را سر می دادند؟

صادقی با طرح این پرسش که «چرا پس از گذشت سه دهه از انقلاب بیش از ۸۵ درصد از کارگران باید ترس اخراج و عدم دریافت حقوق خود را داشته باشند» بیان کرد: در ۱۷ قلم کالای اساسی شاهد تورم ۱۲۰ درصدی هستیم و در سبد فراوانی تورم ۷/۴۶ درصدی را می بینیم. چرا بعد از ۸ سال سر داده شدن شعارهای عدالت طلبانه چنین تبعیض گسترده ای میان طبقات اجتماعی به وجود آمده است؟

فتح الله بیات رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور نیز در این همایش با برشمردن آسیب های کار موقت گفت: از زمان مجلس ششم نتوانستیم آسیب های کار موقت را به نمایندگان مجلس تفهیم کنیم زیرا اکثر آنها کارفرما هستند و کارفرمایان حرف ما را نخواهند شنید. این فعال کارگری با اشاره به شکایت این تشکل کارگری از مزد ۹۲ بر «غیر قانونی» بودن مصوبه شورای تعیین مزد تاکید کرد. او همچنین به ایلنا گفت: برای اعتراض به مصوبه حداقل مزد از اهرم های قانونی اعتصاب و اعتراض نیز استفاده می کنیم.

اتحادیه آزاد کارگران ایران یکی از چند تشکل کارگری است که مستقل از نظارت استصوابی دولت شکل گرفته است و فعالیت می کند. اعضای هیئت مدیره این تشکل کارگری از هماهنگ کنندگان طومار سی هزار امضایی کارگران در اعتراض به بی قانونی ها در حوزه کار بودند. این تشکل کارگری به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر بیانیه ای به شرح ذیل صادر کرده است:

اسمال ما کارگران ایران در شرایطی به استقبال اول ماه مه روز جهانی کارگر میرویم که در آخرین روزهای سال گذشته و در حالیکه سبد هزینه یک خانوار چهار نفره یک میلیون و هشتصد هزار تومان اعلام شده بود شورایی کار دولت جمهوری اسلامی با تصویب حداقل مزد ۴۸۷ هزار تومانی نشان داد که نه تنها انسان بودن و حق ما کارگران برای برخورداری از یک زندگی انسانی برایشان هیچ معنایی ندارد بلکه در صدد آن هستند تا بی رحمانه تر از هر زمانی کل هزینه های بن بست اقتصادی موجود را که خود مسبب آن بوده اند بر دوش ما کارگران سر ریز کنند و با چپاول بیش از پیش سفره های خالی میلیونها خانواده کارگری، اقتصاد بحران زده موجود را در راستای تامین منافع اقلیتی ناچیز سر پا نگاه دارند.

از سال گذشته به این سو، ماه و فصلی در این مملکت نبوده است که هزینه های زندگی به چندین برابر افزایش پیدا نکرده باشد، با اینحال هنوز چند صبحی از آغاز سال جدید نگذشته است که بار دیگر قیمت گوشت و برخی دیگر از اقلام غذایی سر به فلک کشید و از هم اکنون طرح مربوط به افزایش قیمت نان و حاملهای انرژی و حذف ارز مرجع برای کالاهای وارداتی سر آغاز دیگری از چندین برابر شدن هزینه های زندگی را در طول هفته ها و ماههای آینده کلید زد.

دولت همیشه و در هر حالی بهای هر کالایی را که اختیار قیمت گذاری آن بدست اش بوده است افزایش داده است و به تبع آن بخش خصوصی و صاحبان سرمایه نیز قیمت کالاها و خدمات تولیدی شان را بالا برده اند. اما زمانی که نوبت به زندگی و بقا ما کارگران در این مملکت رسیده است دولت نه تنها هیچ مسئولیتی برای تامین معاش میلیونها خانواده کارگری برای خود قائل نشده است بلکه با هر آنچه که در بد قدرتش بوده، تلاش نموده است تا هزینه های بحران اقتصادی موجود را از گردنه ما کارگران بیرون کشد، بطوریکه دولت خود راسا با اخذ ارزش افزوده شش درصدی از هر آن چیزی که با حداقل مزد کنونی بر سر سفره های خالی کارگران قرار میگیرد هر روزه مشغول چپاول و غارت از این حداقل مزد ناچیز و خفت بار ما کارگران است.

اینان خود بیش از همه ما کارگران و مردم ایران میدانند که حداقل مزد ۴۸۷ هزار تومانی معادل اجاره بهای آلونکی در فقیر نشین ترین محلات

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در همایشی که به مناسبت هفته کارگر از سوی اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور برگزار شد، از عملکرد «صدا و سیما» در پوشش اعتراضات کارگران ایرانی انتقاد کرد.

«حسن صادقی» در این همایش گفت: از ما می خواهند روز کارگر ساکت و نظاره گر باشیم. «صدا و سیما» دوربین خود را به خیابانهای ایتالیا می برد و اعتراضات کارگران اروپایی را به نمایش می گذارد اما هنگامی که کارگران «نی بر» کارخانه نیشکر هفت تپه، ۷ شبانه روز در برابر ساختمان ریاست جمهوری مشکلات خود را فریاد می زنند از این رسانه خبری نبود. صدا و سیما هنگام اعتراض کارگران کارخانه «نساچی قائمشهر» در مقابل مجلس کجا بود؟

وی در ادامه با تاکید بر اتخاذ سیاست «فشار از پایین، چانه زنی در بالا» از سوی جنبش کارگری افزود: با دودیدن به دنبال دولت مردان و نمایندگان مجلس، مشکلات کارگران حل نمی شود. حل مشکلات کارگران نیازمند فشار از پایین و چانه زنی در بالاست. جامعه کارگری دچار انفعال شده و شیخ ترس بر تمام ارکان آن سایه انداخته است. در سالهای اخیر نتوانستیم حرکت قابل توجهی را در روز کارگر انجام دهیم که بخشی از این مساله به نگاه دولت مربوط می شود و بخشی دیگر به قصور تشکل های کارگری که وظیفه خود را فراموش کرده اند.